

Ontology and Nature of Social Fiqh as a Jurisprudential or Social Discipline

Mohammad Bagher Rabbani

Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Education and Research Institute;
Member of the Scientific Council of the Jurisprudence Department of Society and Culture,
Jurisprudential Center of the Holy Imams (AS), Qom, Iran. rabani418@iki.ac.ir

Abstract

Social fiqh is a branch of jurisprudential knowledge that complements individual fiqh and addresses social issues through a jurisprudential and ijtihād-based approach with a social perspective. Therefore, it is regarded as a novel and necessary phenomenon. The present study aims to explore the ontology and nature of social fiqh as either a jurisprudential or social science. The research method is descriptive-analytical. The findings reveal that social fiqh, alongside individual fiqh, is an essential academic field for educational and research centers in seminaries and universities. Given the complexity of social issues in modern society and the necessity of addressing these matters from the perspective of Shia jurisprudence, its importance is more evident than ever. Key components of social fiqh include adopting a social approach to jurisprudential issues in modern society, employing a systematic and organized perspective on issues, considering the consequences of jurists' fatwas, and consulting experts for better subject discernment. Topics such as women's entry into sports stadiums, cycling, public pet-walking and pet-keeping at home, body aesthetics, and the role of governance in public dress codes are critical matters that require jurisprudential examination. Considering the specialization of courses and the absence of social fiqh as a field in the seminary curriculum, establishing and structuring this discipline in academic institutions is deemed necessary. This paper proposes 14 prerequisite credits and 36 specialized credits for the field of social fiqh.

Keywords: Social Fiqh, Individual Fiqh, Social System.

Received: 2024/04/11 ; Revised: 2024/05/14 ; Accepted: 2024/06/04 ; Published online: 2024/09/26

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://doi.org/10.22081/scs.2025.66446.1233>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



ماهیت‌شناسی و چگونگی فقه اجتماعی به عنوان یک دانش فقهی یا اجتماعی

محمدباقر ربانی

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛
عضو شورای علمی گروه فقه جامعه و فرهنگ، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران و عضو پیوسته انجمن مطالعات اجتماعی حوزه.
rabani418@iki.ac.ir

چکیده

فقه اجتماعی بخشی از دانش فقه بوده که مکمل فقه فردی است و به بررسی فقهی و اجتهادی مسائل اجتماعی با رویکرد اجتماعی می‌پردازد، لذا یک پدیده نوظهور و لازم به‌شمار می‌رود. در این راستا، هدف پژوهش حاضر ماهیت‌شناسی و چگونگی فقه اجتماعی به عنوان یک دانش فقهی یا اجتماعی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد، فقه اجتماعی در موازات فقه فردی به عنوان یک رشته دانشی، از ضروریات مراکز آموزشی و پژوهشی در حوزه علمیه و دانشگاه به‌شمار می‌رود و امروزه با توجه به پیچیدگی مسائل اجتماعی در جامعه مدرن و ضرورت پرداختن به این موضوعات از منظر فقه شیعه، بیشتر از گذشته محسوس است. توجه به رویکرد اجتماعی به مسائل فقهی جامعه نوین، نگاه سیستمی و نظام‌مند به مسائل، توجه به پیامدهای فتاوی فقها و استفاده از نظر کارشناسان در تشخیص بهتر موضوعات، از مؤلفه‌های مهم فقه اجتماعی هستند. پرداختن به مسائلی نظیر ورود بانوان به ورزشگاه، دوچرخه‌سواری، حیوان‌گردانی شهروندان در معابر عمومی و نگهداری آن‌ها در خانه، زیبایی بدن، نقش حاکم در پوشش افراد جامعه و... از جمله مسائلی است که ضروری است مورد مطالعه و واکاوی فقهی قرار گیرد. با توجه به تخصصی شدن دروس و عدم وجود رشته فقه اجتماعی در درختواره حوزه علمیه و از طرفی ضرورت ایجاد رشته‌ای با این عنوان، تدوین و ایجاد این رشته دانشی برای مراکز علمی لازم به نظر می‌رسد. در این نوشتار برای رشته فقه اجتماعی، ۱۴ واحد به عنوان پیش‌نیاز و ۳۶ واحد به عنوان دروس تخصصی در نظر گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: فقه اجتماعی، فقه فردی، نظام اجتماعی.

استناد به این مقاله: ربانی، محمدباقر (۱۴۰۳). ماهیت‌شناسی و چگونگی فقه اجتماعی به عنوان یک دانش فقهی یا اجتماعی. مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۸(۲)، ص ۱۵۱-۱۶۲.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

<https://doi.org/10.22081/ses.2025.66446.1233>

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

فقه، دانشی هنجاری و تجویزی است که به بررسی احکام و رفتارهای فردی و اجتماعی مکلفین پرداخته و بر این اساس تقسیم فقه، به فقه فردی و فقه اجتماعی معنا پیدا می‌کند. موضوع فقه فردی، افعال مکلفین و موضوع فقه اجتماعی، افعال جامعه، مؤسسات، نهادها و سازمان‌ها است. در گذشته، بررسی افعال و احکام فردی و برخی احکام اجتماعی در میان فقهای ما رایج بوده است؛ اما بررسی احکام مسائل و هنجارهای اجتماعی با رویکرد اجتماعی، از جمله مباحثی است که در عصر حاضر باید مورد تفقه فقها و دانشمندان دینی قرار گیرد. تراش شیعه، در گذشته بیشتر با فقه فردی مطابقت داشت، تا فقه اجتماعی و این، معلول عوامل متعددی از قبیل: سنتی بودن بیشتر جوامع اسلامی و همنوایی فقه با اقتضانات جهان‌زیست مؤمنانه، ضعف اعتقاد به فقه حداکثری، فقدان تجربه حکومت دینی، غلبه نگرش‌های فردگرایانه و غلبه گفتمان جهانی سکولار می‌باشد (ربانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴-۱۲۷). با توجه به حکومت دینی و ولایت فقها و نظریه ولایت فقیه و نیز مسائل جدید و نوظهور در عصر حاضر، ضروری است که مسائل فقهی با رویکرد اجتماعی مورد بررسی اجتهادی قرار گیرد. شایان ذکر است که روش مورد نظر در فقه اجتماعی، همان روش فقه فردی و به عبارت دیگر همان روش اجتهاد صاحب جواهری است. این روش اجتهادی لازم بوده، اما کافی نیست و نیاز به بازسازی و بازخوانی دارد. از این رو، پژوهش حاضر درصدد بررسی ماهیت و مؤلفه‌های فقه اجتماعی بوده و چگونگی ایجاد فقه اجتماعی به عنوان یک رشته تحصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مفاهیم پژوهش

در این قسمت به چیستی و ماهیت فقه اجتماعی و تفاوت فقه فردی و فقه اجتماعی پرداخته می‌شود.

۱-۲. ماهیت فقه اجتماعی

فقه اجتماعی را می‌توان براساس موضوع، مسائل، رویکرد و غایت، تعریف نمود.

تعریف به موضوع: برخی از صاحب‌نظران معتقدند که فقه اجتماعی به مجموعه احکامی اطلاق می‌شود که خطاب آن‌ها اشخاص و افراد نمی‌باشند؛ بلکه خطاب، متوجه جامعه است. در فقه اجتماعی، شارع برای جامعه اعتبار قائل شده و به این دلیل، به او خطاب می‌کند و برای او احکامی قرار می‌دهد. نظیر آیه «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم» (نساء، ۱) که مقصود بالذاتش، تقوای جامعه و تقوای اجتماعی بشری است (ربانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷-۱۹). بنابراین، موضوع فقه اجتماعی، «جامعه» است و به احکام مربوط به جامعه، سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات می‌پردازد. برخلاف فقه فردی که به احکام فرد، هرچند فرد در جامعه می‌پردازد.



تعریف به مسائل: برخی از فقه‌پژوهان، فقه اجتماعی را به معنای فقه مسائل اجتماعی می‌دانند و رابطه این دو کلمه را به صورت مضاف و مضاف‌الیه می‌دانند. منظور از فقه اجتماعی، فقهی است که وارد حوزه مسائل اجتماعی شده و می‌خواهد مسائل اجتماعی را مورد فهم و استنباط قرار دهد (علیدوست، ۱۳۹۶). نظیر مسائل فقهی مربوط به خانواده، ازدواج، طلاق، امر به معروف، معاشرت اجتماعی، صلۀ رحم و... که این مسائل در کتاب‌های فقهی فقهای سلف نیز مطرح بوده است. اما برخی از مسائل اجتماعی، نظیر مسائل مربوط به فقه ترافیک، فقه شادی، فقه ورزش، فقه محیط زیست، فقه انقلاب، فقه آسیب‌های اجتماعی، فقه ارتباطات و هنر و رسانه، جدید می‌باشد که فقیه باید براساس اجتهاد جواهری، پاسخی متناسب با شرایط زمان و مکان ارائه دهد (ربانی و ربانی، ۱۳۹۸، ص ۹۱).

تعریف به رویکرد: فقه اجتماعی در اینجا به معنای داشتن رویکرد اجتماعی به مسائل فقهی است، و نه رویکرد فردی. از این رو، چه بسا یک فرع فقهی با رویکرد فردی به گونه‌ای استنباط گردد؛ ولی با رویکرد اجتماعی، گونه‌ای متفاوت استنباط شود (ربانی و ربانی، ۱۳۹۸، ص ۹۲). در این تعریف، فقه اجتماعی در مقابل فقه فردی است و نسبت فقه و اجتماع، نسبت صفت و موصوف است و در واقع گزارشی از یک رویکرد فقهی است که مستنبط، نگاه اجتماعی به مسائل فقهی دارد (علیدوست، ۱۳۹۶). نظیر مسئله تفحص در حریم خصوصی افراد که با رویکرد فقه فردی، حکم به عدم جواز داده شده؛ ولی با رویکرد اجتماعی برای حفظ نظام و جامعه اسلامی، گاهی حکم به وجوب آن می‌شود. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «تفحص در حریم خصوصی افراد، حرام؛ اما تفحص در حریم خصوصی برخی از افراد برای حفظ امنیت اجتماعی جامعه در نظام اسلامی برای حفظ نظام اسلامی، در برخی موارد واجب است (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۱۱۶).

تعریف به غایت: فقه اجتماعی براساس غرض و غایت، توجه به نظام‌سازی اجتماعی دارد. فقه اجتماعی در این تعریف، تمرکز بر ترسیم نظام‌های اجتماعی دارد که البته با استعانت رویکرد اجتماعی به فقه، محقق می‌شود. در این تعریف، فقه اجتماعی درصدد ترسیم و تبیین نظام‌های اجتماعی با مدل فقه جواهری است. به عبارت دیگر، فقه اجتماعی درصدد ترسیم نظام‌های اجتماعی و تبیین مدل‌های آن‌ها است. در فقه نظام‌های اجتماعی، علاوه بر اینکه نهادها و سازمان‌ها مکلف‌اند، حکم نهادها و سازمان‌ها نیز روشن شده و تک‌گزاره‌ها، دیگر مد نظر نیستند، بلکه از مجموعه گزاره‌ها کنار یکدیگر، نظام‌سازی اجتماعی در حوزه خاص به وجود می‌آید و فقه نظام ارتباطات اجتماعی، فقه نظام شهرسازی، فقه نظام معماری، فقه نظام هنر و رسانه، فقه نظام مدیریت شهری، فقه نظام سلامت اجتماعی، فقه نظام نشاط اجتماعی از این قبیل می‌باشند (ربانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۳۷-۱۳۸).

۲-۲. تفاوت فقه فردی و فقه اجتماعی

میان فقه فردی و فقه اجتماعی از جهت‌هایی تمایز وجود دارد. در این قسمت به‌طور خلاصه به این تفاوت‌ها اشاره خواهد شد.

تفاوت اول بین فقه فردی و فقه اجتماعی، در موضوع آن‌ها است. موضوع فقه فردی، فرد مکلف بوده و موضوع فقه اجتماعی، جامعه، سازمان‌ها و نهادها است. مثلاً تجسس از منظر فقه فردی، جایز نیست؛ اما از نظر فقه اجتماعی به منظور تأمین امنیت اجتماعی جامعه، حکم به جواز آن شده و در برخی موارد برای حفظ نفوس مسلمین، حکم به وجوب شده است (ربانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸۷).

تفاوت دوم بین فقه فردی و فقه اجتماعی، تفاوت در ملاک است و ملاک احکام در فقه اجتماعی با فقه فردی متفاوت است. با توجه به اینکه احکام، تابع مصالح و مفاسد است؛ در احکام فردی، مصلحت فرد و در احکام اجتماعی، مصلحت جامعه و نظام اجتماعی لحاظ شده است (ربانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸۸). مثلاً «توریه» از نظر فقه فردی جایز است؛ اما از دیدگاه فقه اجتماعی، «توریه» مسئولان دولتی در مقام پاسخگویی، خالی از اشکال نیست. یا زندان، در اسلام با نگاه اجتماعی برای جامعه و حکومت، ایجاد امنیت و آرامش می‌کند (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۶ الف، ص ۱۰-۱۱). بنابراین، ملاک‌ها در فقه فردی، مصلحت فرد و در فقه اجتماعی مصلحت جامعه، نهادها و سازمان‌ها است.

تفاوت سوم بین فقه فردی و فقه اجتماعی، مربوط به تفاوت در اهداف است. هدف فقه فردی، تنظیم رفتارها و هنجارهای فردی است، ولی هدف فقه اجتماعی، تنظیم رفتارهای نهادها، سازمان‌ها، جامعه و در نهایت نظام‌سازی است (ربانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۹۰). بنابراین، نظام‌سازی در حوزه سلامت، ورزش، تفریحات، شهرسازی و معماری، خانواده، محیط زیست و... از اهداف فقه اجتماعی به‌شمار می‌رود.

تفاوت چهارم بین فقه فردی و فقه اجتماعی این است که در فقه اجتماعی، هر مسئله فقهی، همراه با دیگر مسائل فقهی مورد توجه قرار می‌گیرد و فقیه در حوزه فقه اجتماعی، مسئله مورد نظر را جدا از سایر مسائل فقه نمی‌بیند و نگاهش به فقه، نظام‌مند و سیستمی است؛ برخلاف فقه فردی که مسئله‌محور است و به مجموعه مسائل فقه نگاهی ندارد (ربانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۹۰).

۲-۳. زیرشاخه‌های فقه اجتماعی

برای فقه اجتماعی می‌توان زیرشاخه‌هایی از قبیل: فقه فرهنگ و تمدن، فقه ارتباطات، هنر و رسانه، فقه حکومتی، فقه شادی، تفریحات و اوقات فراغت، فقه محیط زیست، فقه ورزش، فقه زنان و خانواده، فقه گردشگری، فقه امنیت، فقه مدیریت شهری و ترافیک و فقه معماری و شهرسازی مطرح نمود.



۳. مؤلفه‌های فقه اجتماعی

در این قسمت به برخی از مؤلفه‌های فقه اجتماعی مانند رویکرد اجتماعی، توجه به پیامدهای اجتماعی یک فتوا، استفاده از کارشناسان حوزه علوم انسانی، نگاه سیستمی و نظام‌مند به مسائل فقهی و روش تجميع ظنون، اشاره خواهد شد.

۳-۱. رویکرد اجتماعی

مهم‌ترین مؤلفه فقه اجتماعی، رویکرد اجتماعی به مسائل فقهی است و این رویکرد، در روش اجتهادی فقه اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. فقه را می‌توان به فقه فردی و اجتماعی تقسیم نمود و یکی از تمایزات در این تقسیم‌بندی، توجه به رویکرد اجتماعی در فقه شیعه است. چنانچه یک فرع فقهی از منظر فقه فردی، یک حکم دارد؛ اما همان فرع فقهی، با رویکرد اجتماعی، می‌تواند حکمی متفاوت با فقه فردی داشته باشد. از این‌رو، توجه به رویکرد اجتماعی به فروع و مسائل فقهی، از مؤلفه‌های فقه اجتماعی به‌شمار می‌رود. شهید محمدباقر صدر بر این باور است که نگاه فردی به شریعت، حتی روش فهم نصوص شرعی را تحت تأثیر قرار داده است. از یک‌سو، در فهم نصوص شرعی، شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و امام معصوم ﷺ به عنوان حاکم و رئیس حکومت، مغفول واقع شده و لذا نهی پیامبر ﷺ را دال بر تحریم یا کراهت می‌دانند، در حالی که ممکن است هیچ‌کدام از این دو نباشد و این نهی به عنوان رئیس حکومت از جانب پیامبر اسلام ﷺ صادر شده و در نتیجه اصلاً حکم شرعی عمومی از آن استخراج نشود (صدر، ۱۳۹۳، ص ۵۲۰-۵۲۱). برخی از فقه‌پژوهان با تأکید بر این مطلب بر این باورند که علم فقه موجود، علمی فردی است، و نه اجتماعی؛ و با اندک تأمل و تفحص در متون فقهی، این مسئله به وضوح مشهود است. مثلاً در بیع مکاسب، از معامله یک فرد با فرد دیگر بحث‌های متعددی شده است؛ اما اگر فرد، جای خود را به شخص حقوقی بدهد و بایع و مشتری دو شخص حقوقی باشند، مسائل آن از قبیل ارش، خسارت و غیره چه می‌شود؟ (علیدوست، ۱۳۹۶، ص ۳۸۵).

اینکه در اسلام زندان نداریم، معنایش این است که در فقه شخصی، زندان نباشد. اما اگر در یک حکومت و جامعه‌ای، حفظ امنیت اقتصادی، اجتماعی و حفظ ناموس جامعه متوقف بر زندانی کردن شخص متخلف باشد، آیا زندانی کردن شخص متخلف اشکالی دارد؟ (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۴). نمونه دیگر در حوزه فقه رسانه این است که اگرچه تشبه مرد به زن در فقه فردی حرام است؛ اما اگر هنرمند مرد، چاره‌ای ندارد که در بخشی از فیلم، نقش یک زن را بازی کند و هدف واقعی هنرمند مرد، تشبّه به زن نیست، بلکه او می‌خواهد یک واقعیت تاریخی را نشان دهد، با توجه به اینکه بین این دو نگاه تفاوت وجود دارد؛ آیا می‌توان حکم به حرمت نمود؟ (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶ ب). یا مسئله زکات تاکنون از دیدگاه فردی مورد

بحث قرار گرفته، اما اگر از دریچه فقه اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گیرد، چه بسا احکام جدیدی بر آن متوقف شود؛ زیرا بر موضوع جدید، حکم جدیدی مترتب می‌شود. لذا، اگر زکات از منظر فقه اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد، این موضوع مطرح خواهد شد که برای جامعه‌ای که چند میلیون زیر خط فقر دارد، آیا باید زکات، منحصر به همان موارد نه‌گانه باشد؟ یا می‌شود توسعه پیدا کند؟ (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۹). از این رو، این نوع نگاه اجتماعی به موضوعات فقهی در فقه اجتماعی لازم است.

۲-۳. روش تجمیع ظنون یا روش انضمامی

از جمله مواردی که جزء مؤلفه‌های فقه اجتماعی به‌شمار می‌رود، استفاده از روش اجتهادی تجمیع ظنون می‌باشد. روش تجمیع ظنون یا روش انضمامی، روش و شیوه اجتهادی برخی از فقها است که به لحاظ نگاه مجموعه‌ای به همه ادله است. در میان علما برخی گرایش به روش انفرادی و برخی دیگر گرایش به روش انضمامی دارند. در روش انفرادی، برخی فقها در مقام استدلال، به یک دلیل که از نظر سند و دلالت تمام باشد، استناد می‌کنند و اگر به چند دلیل هم تمسک کنند، به هر یک از آن‌ها به عنوان دلیل مستقل نگاه می‌کنند و کمتر چند آیه یا روایت را به صورت مرتبط و به عنوان یک دلیل در نظر می‌گیرند. به‌ویژه اینکه به ارتباط احکام فقهی با سایر معارف دینی در حوزه اعتقادات و اخلاقیات، کمتر توجه می‌شود. پیامد این روش آن است که در هر مسئله فقهی باید به دنبال یک آیه و یا یک روایت معتبر بود که به تنهایی بر مطلوب دلالت داشته باشد و در صورت عدم وجود دلیل معتبر یا عدم دلالت آن، نوبت مراجعه به اصول عملیه می‌رسد. در حالی که ممکن است با سیر در مجموع آیات و روایات مربوطه، بتوان به حکم واقعی رسید (ضیائی فر، ۱۳۸۵، ص ۷۳-۷۴).

در روش انضمامی، فقیه در مقام اجتهاد و فقاها، علاوه بر استفاده از روش تک‌دلیلی، در برخی موارد به روش دیگری استناد می‌کند که می‌توان آن را «روش انضمامی» نام نهاد. در این شیوه اجتهادی، فقیه به دلیل خاصی استناد نمی‌کند، چنانچه در روش پیشین به دلیل خاصی استناد می‌کرد؛ بلکه از تتبع در مجموع متون دینی و انضمام آن‌ها به یکدیگر، به حکم شرعی دست می‌یابد. گاه فراتر رفته و مجموع آموزه‌های اسلام از قبیل اعتقادات، اخلاقیات و فقهیات را در نظر گرفته و با توجه به این مجموعه، حکمی را استنباط می‌کند؛ زیرا اسلام مجموعه‌ای از این آموزه‌ها است و اولین فقیه‌ای که به صورت نظری از این روش یاد کرده، کاشف الغطا (۱۲۲۸ق) است و صاحب جواهر و امام خمینی نیز از فقهای به‌شمار می‌رود که در سیره فقهی خود از این روش استفاده کرده است (همان، ص ۷۴-۷۵). شایان ذکر است که امام خمینی با استفاده از این روش، خمس را از آن منصب امامت می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۵۵؛ ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۵۵). مدل نظام سیاسی اسلام نیز که همان ولایت مطلقه فقیه است، از روش تجمیع ظنون



استفاده کرده است. بنابراین، از جمله مؤلفه‌های مهم در فقه اجتماعی، روش تجمیع ظنون است و برای استنباط در مسائل فقه اجتماعی، بهترین روش و شیوه، روش تجمیع ظنون می‌باشد.

۳-۳. نگاه سیستمی و نظام‌مند به مسائل فقهی

جامعه‌شناسان، «نظام» را مجموعه اجزایی می‌دانند که با هم در تعامل بوده و اهداف مشترکی را پیگیری می‌کنند (خیری، ۱۳۹۳، ص ۳۸). از دیدگاه شهید صدر، نظام عبارت است از: «ایجاد روشی برای تنظیم زندگی اجتماعی (در حیطه اقتصادی، سیاسی، تربیتی و...) بر مبنایی خاص. مثلاً نظام اقتصادی ایجاد طریقی است برای تنظیم حیات اقتصادی جامعه بر طبق عدالت. پس، نظام، اهداف و ارزش‌ها و خطوط کلی جنبه‌ای از ابعاد زندگی بشر را تأمین می‌کند (رحیمیان، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱) و «نظام فقهی» اشاره به هیئت تألیفی دارد که بین گروهی از احکام مربوط به ابواب مختلف و متکفل بیان اهداف کل شریعت است؛ نظیر نظام سیاسی، نظام تربیتی، نظام اقتصادی و نظام جزایی اسلام (همان، ص ۵۰). امام خمینی و آیت‌الله محمدباقر صدر از جمله فقهای هستند که نگاه نظام‌مند به فقه داشته‌اند. امام خمینی در «صحیفه نور» می‌فرماید: اسلام خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی دارد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۳۸۸-۳۸۹)؛ اما فقه ما در گذشته اینگونه نظام‌مند نبوده است. مقام معظم رهبری نیز بر این باورند که: فقه ما در طول سال‌های متمادی گذشته بیشتر متوجه بوده به فهم اسلام به عنوان عمل و وظیفه یک فرد؛ و نه فهم اسلام به عنوان یک نظام اجتماعی (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۴/۹/۱۳). از این رو، مسائل فقه اجتماعی را باید با نگاه نظام‌مند و سیستمی به آن نگریست و اجتهاد نمود. بدون نگاه نظام‌مند و سیستمی، فقه اجتماعی به‌طور کامل و صحیح شکل نمی‌گیرد. مثلاً درباره جواز و عدم جواز تفحص از گوشی تلفن فرزندان، اگر این مسئله به تنهایی مورد اجتهاد قرار گیرد، شاید به عنوان حریم شخصی و خصوصی برای فرزندان، قائل به عدم جواز شویم. اما اگر همین مسئله در رابطه با مسائل دیگر و به صورت نظام‌مند مورد اجتهاد قرار گیرد و عناوین دیگری نظیر تربیت دینی فرزند، و ولایت پدر بر فرزند نیز مورد توجه قرار گیرد، شاید به گونه‌ای دیگر حکم داده شود.

۳-۴. توجه به پیامدهای اجتماعی یک فتوا

یکی دیگر از مؤلفه‌های فقه اجتماعی، توجه به پیامدهای اجتماعی صدور یک فتوا است. فقیه فقه اجتماعی نمی‌تواند به پیامدها و کارکردهای منفی یک فتوا توجه نداشته باشد. مثلاً گاهی ممکن است صدور یک فتوا در فقه فردی جایز باشد؛ اما همین فتوا در فقه اجتماعی، به این دلیل که انسجام اجتماعی یک جامعه

اسلامی و یا یک امت اسلامی را به خطر می‌اندازد، جایز نباشد. مثلاً ازدواج دختر ۹ ساله، اجازه پدر برای ازدواج دختر رشیده، خرید و فروش اعضای بدن برای تأمین نیازهای زندگی و برای تهیه مخارج ازدواج، پرداختن به مسائلی که موجب تحریک قومیت‌ها و مذاهب اسلامی در جامعه می‌شود، از جمله مسائلی است که فقیه فقه اجتماعی باید به پیامدهای اجتماعی فتوا توجه داشته باشد. از این رو، برخی از فقها اجرای حد شرعی بر مسلمان در سرزمین دشمن را جایز نمی‌دانند، تا شرایط برای اجرای حکم، مساعد گردد (سبحانی، ۱۳۹۷، ص ۷).

۵-۳. استفاده از کارشناسان حوزه علوم انسانی

امروزه موضوع‌شناسی پدیده‌های اجتماعی دارای پیچیدگی و لایه‌های متعدّد است. از این رو برای صدور احکام فقه اجتماعی ضرورت دارد که موضوع‌شناسی دقیق و کارشناسانه صورت گیرد تا از تبعات منفی صدور حکم در مسائل فقه اجتماعی کاسته شود. مسائلی نظیر ساخت و تهیه سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله مسائلی هستند که نیاز به بررسی کارشناسان و متخصصین مربوطه برای ماهیت‌شناسی آن دارد، و این موضوع‌شناسی از ضروریات فقه اجتماعی به‌شمار می‌رود. بعد از بیان ماهیت فقه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، نوبت به سرفصل‌های رشته فقه اجتماعی می‌رسد و با توجه به اینکه فقه اجتماعی، بخشی از دانش فقه است، لذا، فقه اجتماعی به عنوان یک دانش تلقی شده و با توجه به اینکه مسائل اجتماعی در این دانش موضوعیت دارد و نیز به لحاظ موضوع‌شناسی در این رشته دانشی، ضروری است در تعیین سرفصل‌ها، مسائل اجتماعی و مباحث مربوط به علوم اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. البته شایان ذکر است که دانش فقه اجتماعی را می‌توان به عنوان یک رشته مستقل در نظر گرفت که از دانش فقه و جامعه‌شناسی استفاده می‌کند و این دانش مستقل در تعامل با فقه و جامعه‌شناسی می‌باشد، اما به عنوان یک دانش مستقل مورد توجه قرار می‌گیرد؛ نظیر فلسفه علوم اجتماعی یا فقه سیاسی که هر کدام از اینها یک رشته مستقل و دانشی مستقل به‌شمار می‌روند.

۴. سرفصل‌های رشته فقه اجتماعی

در این قسمت سرفصل‌های رشته فقه اجتماعی در حوزه علمیه برای سطح ۴ مطرح می‌شوند. ابتدا دانش‌پژوه این رشته، ۱۴ واحد به عنوان پیش‌نیاز سپری می‌کند و بعد به تحصیل ۳۶ واحد تخصصی می‌پردازد. جدول دروس پیش‌نیاز و دروس تخصصی به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۴. دروس پیش‌نیاز رشته فقه اجتماعی

پیش‌نیاز رشته فقه اجتماعی مشتمل بر ۱۴ واحد می‌باشد.



جدول ۱. پیش‌نیاز رشته فقه اجتماعی

۱	مبانی جامعه‌شناسی	۲ واحد
۲	روش تحقیق	۲ واحد
۳	سیره اجتماعی پیامبر اکرم ^ص و امامان معصوم ^ع	۲ واحد
۴	جریان‌شناسی تحولات اجتماعی ایران	۲ واحد
۵	فلسفه علم فقه	۲ واحد
۶	نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک با رویکرد انتقادی	۲ واحد
۷	نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن با رویکرد انتقادی	۲ واحد

۲-۴. دروس تخصصی رشته فقه اجتماعی

رشته فقه اجتماعی مشتمل بر ۳۶ واحد دروس تخصصی می‌باشد.

جدول ۲. دروس تخصصی رشته فقه اجتماعی

۱	درآمدی بر فقه اجتماعی	۲ واحد
۲	فقه و علوم اجتماعی	۲ واحد
۳	ساختار نظام مسائل فقه اجتماعی با تأکید بر مسائل اجتماعی ایران	۲ واحد
۴	اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان اسلامی قبل از مشروطه (۱)	۲ واحد
۵	اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان اسلامی بعد از مشروطه (۲)	۲ واحد
۶	فقه و سبک زندگی	۲ واحد
۷	کارکردهای اجتماعی ابواب فقهی	۲ واحد
۸	تحلیل اجتماعی ادوار فقه شیعه تا قبل از دوره معاصر (یا تحلیل اجتماعی مدارس فقهی)	۲ واحد
۹	آیات و روایات فقه اجتماعی (۱)	۲ واحد
۱۰	قواعد فقه اجتماعی (۲)	۲ واحد
۱۱	جریان‌شناسی فقهی در جهان معاصر با تأکید بر فقه اجتماعی (مکتب قم، مکتب نجف، سامرا، مصر، آفریقا، تونس و...)	۲ واحد
۱۲	فقه اجتماعی در اندیشه فقهای شیعه	۲ واحد
۱۳	فقه اجتماعی در اندیشه اهل تسنن	۲ واحد
۱۴	تعامل فقه و جامعه در عصر انقلاب اسلامی (نقش تطورات و تحولات اجتماعی در فقه، بررسی نظرات بزرگانی نظیر آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای)	۲ واحد
۱۵	روش‌شناسی فقه اجتماعی	۲ واحد
۱۶	فقه و بررسی مسائل اجتماعی ایران معاصر (نقش حاکمیت در پوشش، حیوان‌گردانی، حجاب اجباری، حضور زنان در ورزشگاه و...)	۲ واحد
۱۷	نظام‌سازی با رویکرد فقهی	۲ واحد
۱۸	سمینار بررسی اجتهادی مسائل فقهی با دو رویکرد فردی و اجتماعی	۲ واحد

۵. نتیجه‌گیری

فقه اجتماعی در موازات فقه فردی به عنوان یک رشته دانشی، از ضروریات مراکز آموزشی و پژوهشی در حوزه علمیه و دانشگاه به‌شمار می‌رود و امروزه با توجه به پیچیدگی مسائل اجتماعی در جامعه مدرن و ضرورت پرداختن به این موضوعات از منظر فقه شیعه، بیشتر از گذشته محسوس است. توجه به رویکرد اجتماعی به مسائل فقهی جامعه نوین، نگاه سیستمی و نظام‌مند به مسائل، توجه به پیامدهای فتاوی فقها و استفاده از نظر کارشناسان در تشخیص بهتر موضوعات، از مؤلفه‌های مهم فقه اجتماعی هستند. پرداختن به مسائلی نظیر ورود بانوان به ورزشگاه، دوچرخه‌سواری، حیوان‌گردانی شهروندان در معابر عمومی و نگهداری آن‌ها در خانه، زیبایی بدن، نقش حاکم در پوشش افراد جامعه و... از جمله مسائلی است که ضروری است مورد مطالعه و واکاوی فقهی قرار گیرد. با توجه به تخصصی شدن دروس و عدم وجود رشته فقه اجتماعی در درختواره حوزه علمیه و از طرفی ضرورت ایجاد رشته‌ای با این عنوان، تدوین و ایجاد این رشته دانشی برای مراکز علمی لازم به نظر می‌رسد. در این نوشتار برای رشته فقه اجتماعی، ۱۴ واحد به عنوان پیش‌نیاز و ۳۶ واحد به عنوان دروس تخصصی در نظر گرفته شده است.



منابع

قرآن کریم.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۴/۹/۱۳). پرسش و پاسخ در دانشگاه تهران.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۵، ۵.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶). الاجتهاد و التقليد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
- خیری، حسن (۱۳۹۳). مبانی نظام اجتماعی در اسلام. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ربانی، محمدباقر (۱۳۹۳). فقه اجتماعی: مجموعه مصاحبه‌ها با اساتید حوزه و دانشگاه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- ربانی، محمدباقر و همکاران (۱۴۰۰). درآمدی بر فقه اجتماعی. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- ربانی، محمدباقر؛ ربانی، محمدصادق (۱۳۹۸). فقه و جامعه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- رحیمیان، سعید (۱۳۷۴). روش کشف ملاک و نقش آن در تغییر احکام. نقد و نظر، ۲(۵)، ص ۸۲-۲۰۵.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۷). تبیین حدود تأثیر زمان و مکان در استنباط احکام. افق حوزه، شماره ۹.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۳). بارقه‌ها. ترجمه سید امید مودنی. قم: انتشارات دارالصدر.
- ضیائی‌فر، سعید (۱۳۸۵). پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی. گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۶). اجتهاد در اجتهاد. در: کرانه‌های اجتهاد: گفتارهایی در موضوعات و مسائل فقهی و اصولی. قم: بوستان کتاب.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۶ الف). مصاحبه با آیت‌الله فاضل لنکرانی. وسائل، شماره ۱.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۴/۱۰/۱۵). دیدار با مسئولین خبرگزاری رسا. قابل دسترس در:
<http://fazellankarani.com/persian/lecture/view/8802>
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۶/۸/۲۳ ب). گفت‌وگو با افق حوزه. قابل دسترس در:
<http://fazellankarani.com/persian/interview/view/20845>
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۹/۱۱/۹). بیانات در جمع مسئولین ستاد زکات کشور. قابل دسترس در:
<http://fazellankarani.com/persian/news/23459/>